

E-ISSN: 2709-9369

P-ISSN: 2709-9350

www.multisubjectjournal.com

IJMT 2021; 3(1): 215-225

Received: 28-12-2020

Accepted: 30-01-2021

سید نعیم احمد

عضو کادر علمی
مؤسسه تحصیلات عالی
پنجشیر

تفاوت میان تفسیر و تأویل

سید نعیم احمد

چکیده

تفسیر و تأویل دو کلمه به هم آمیخته بوده که دید گاهها به آن متفاوت و نظریات به آن مختلف میباشد گاهی یک کاربرد و گاهی هم کاربرد متنوع برایشان در نظر گرفته شده، از آنجاییکه تأویل را به معنی مبادله و انتقال توضیح داده ان، دیده میشود که قابل پذیرش اهل علم نبوده و به این حد نیز میرسد که ذات تأویل را دو گونه خوب و زشت منقسم سازند، روی هم رفته آنچه ایجاب میگرد دیدگاه هارا بر ملا ساخته درج این مقاله کرده ام

واژه های کلیدی: تفسیر و تأویل ، ذات تأویل ، تفاوتها

مقدمه

{وَإِذْ تَأْتِيَنَّ رَبُّكَ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَرْبِئَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ} [ابراهیم : 7] ترجمه : و آن زمان را که پروردگارتان مؤکدانه اعلام کرد که اگر سپاسگزار ی گردید ، هر آینه برایتان افزایش می دهم ، و اگر کافر (و ناسپاس) شدید بی گمان عذاب من بسیار سخت است . با وسایل درمانده و کوتاهم ، و افزایش مطالب و تفرکات در تأمل بر تفسیر و تأویل و فرق میان آنها ، با توجه به باریکی های آن ، به حقایق و مباحث آن ، به انتشار دانش و روش های او ، تهیه تحقیقات و مطالعات در مورد آن ، و ارائه برخی از آنچه در مورد او درس و سخنرانی ها تحقیقات و مقالات ، کتاب ها و ادبیات میابم ، برای انجام درست مورد نیاز من ، و انجام برخی از وظایفی که خداوند از من خواسته است ، و قدردانی هایی را که به من ارزانی شده است انجام دهم عمل کنم باید خدا را شکر کنم.

این مقاله "تفاوت میان تفسیر و تأویل در قرآن" را به عنوان مبنای طریقه جدیدی که قصد نشر آن را دارم ارائه داده است ، و مربوط به تفسیر موضوعی قرآن کریم است ، و به سمت یک رنگ خاص از تفسیر موضوعی ، یعنی "اصطلاحات قرآنی" اختصاص داده شده است، من آن را به خوانندگان محترم تقدیم می کنم ، امیدوار هستم مکن است در غیاب و پشت سر وقت که نگاه دقیق تری به مقاله بکنند برای من دعا کنند،

اهداف تحقیق:

جمع آوری معلومات در باره تفسیر و تأویل دیدگاه ها در مورد آنها و تطبیق میان این نظریات ضمناً نتایج متوقعه که دیگران در روشنائی آن نیاز خود را مرفوع بگردانند

شیوه های بحث:

در این مقاله بعضی میکانیزم های لازم را در نظر گرفته ام .

شیوه استقرائی:

اقدام به جمع کردن مواد برای تهیه موضوع از مصادر و مراجع که در این موضوع بوده، خصوصاً همه کتاب های که در تفسیر موضوعی به دسترس قرار گرفته استفاده کرده ام . شیوه تحلیلی:

بحث تفصیلی ، نقد و بحث علمی در روشنائی قوائد و موادیکه برای این موضوع جمع آوری کرده ام.

میکانیزم وصفی:

اقدام به تقسیم این رساله به مباحث و مطالب برای منسجم شدن موضوع همراهی مفرداتش .

سوال اصلی:

تفاوت میان تفسیر و تأویل چگونه است؟

سوالات فرعی:

۱- از برای تفسیر و تأویل معنی لغوی و اصطلاحی خاصی وجود دارد یا نه ؟

Corresponding Author:

سید نعیم احمد

عضو کادر علمی
مؤسسه تحصیلات عالی
پنجشیر

- ۲- تفسیر و تأویل چند مرتبه در قرآن ذکر است و در کدام سوره‌ها؟
- ۳- تفاوت میان تفسیر و تأویل وجود دارد یا نه، نظریات درین موری چگونه است؟
- ۴- کدام نوع تأویل ممدوح و کدام نوع تأویل مذموم است؟

خلاصه:

تحقیق مشتمل بر سه بخش میباشد:

بخش اول معنی لغوی و اصطلاحی تأویل را مورد بحث قرار داده. و درین بحث به سخن اهل لغت و تفسیر استناد نمودیم.

بخش دوم: در مورد کلمه تفسیر در سوره فرقان اندکی درنگ کرده، سپس تعریف اصطلاحی "تأویل" در اسلوب و روش قرآنی را واضح ساختیم.

بخش سوم: تفاوت تفسیر و تأویل و مهمترین اختلافاتی را که در گذشته بین تفسیر و تأویل گفته شده ثبت کردیم، به ویژه آنچه را که راغب اصفهانی، ابو الیقاع الکوفی و دکتر احمد حسن فرحات نظر داده اند بیان کردیم.

سپس صحیح ترین تفاوت بین تفسیر و تأویل را که نزد خود داشتیم ارائه دادیم، و خاطر نشان ساختیم که مرحله تفسیر و تأویل دو مرحله را در فهم و تدبر قرآن در بر دارد، مرحله تفسیر ابتدا، سپس مرحله تأویل که بر اساس آن شکل می گیرد. در درک این مورد از حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم شواهد و مثالی را ارائه دادیم، و این نکته اصل و اساسی را بیان کردیم که هر تأویل کننده مفسر است و هر مفسر نیاز نیست که مؤول باشد.

سپس متوجه شدیم که معنای سوم نیز برای تفسیر وجود دارد، که متأخرین از آن استفاده نموده اند و آن عبارت از برگشت و انتقال میباشد و ما نشان دادیم که مقداری از آن قابل قبول است، و برخی از آن قابل رد است، و وجه آن را نیز بیان کردیم، و دیدیم آنچه که قابل قبول است در معنای دوم قرار می گیرد، مشاهده کردیم که این معنی در قرآن، و بیشتر احادیث و سخنان صحابه استعمال شده است، و هیچ گونه اعتراضی در استفاده به معنای دوم وجود ندارد.

و این مقاله "تفاوت میان تفسیر و تأویل در قرآن" را به عنوان مبنای طریقه جدیدی که قصد نشر آن را دارم ارائه داده است، و مربوط به تفسیر موضوعی قرآن کریم است، و به سمت یک رنگ خاص از تفسیر موضوعی، یعنی "اصطلاحات قرآنی" اختصاص داده شده است، که من آن را به خوانندگان محترم تقدیم می کنم، امیدوارم در غیاب وقت که نگاه دقیق تری به مقاله بکنند برای من دعا کنند، و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه وسلم.

1- تفسیر در لغت:

تفسیر مصدر بیست و نهمین تفعیل که از باب ثلاثی مجرد اصل آن فسر بوده، چنان که گفته شده (فسر الشی فسرأ) بیان کرده شد یک چیز به بیان کردن.

و فعل ماضی تفسیر از باب رباعی «فسر» بوده، به تشدید سین می آید چنان که گفته شده است فسر الشی تفسیراً- توضیح داده شد به توضیح دادن.

امام احمد بن فارس در مورد فسر گفته: فسر کلمه ای است که نشان دهنده شفاف سازی و به روشن شدن چیزی دلالت میکند.

چنان که میگوید (فسر الشی، وفسرته) بیان دادم یک چیز را به بیان ساختن¹.

امام راغب اصفهانی در مفردات خود گفته: تفسیر: نشان دادن معنی معقول را گفته میشود. و به آن چیزی گفته شده که ادرار به آن پیشگوئی کرده و خبر میدهد. [یعنی ادرار بیماری را در بدن پیشگوئی و آشکار می کند و نشان می دهد، زیرا ادرار یک توضیح و تجلی بیماری است]، تفسیر در زیاده روی مانند فسر است.²

یعنی، امام راغب حاکی توافق تفسیر و فسر در مبداء و معنا میباشد. که هر دو دلالت به تجلی معنی میکند، به این تفاوت که تفسیر مبالغه آمیز تر در توضیحات نسبت به فسر است.

سخنان ابن فارس همزمان با سخنان امام راغب بر این اساس استوار است: که معنی تفسیر بیان چیزی، روشن شدن آن، و واضح نمودن میباشد.

ابن منظور در "لسان العرب" در مورد فسر و تفسیر گفته: بیان، و چیزی را توضیح داد با توضیح دادن را گفته میشود.

و فسر: لچ کردن پوشیده. و التفسیر: ادرار که از آن مرضی دانسته میشود، چه قسمی که پزشکان آن را در نظر می گیرند، و بیماری بیمار را اظهار می کنند، هر چیزی که بیان یک شی و معنایش به آن دانسته شود آنرا تفسیر گفته میشود،

تفسیر: آشکار کردن بیان عبارت را از لفظ مشکل تفسیر گفته میشود.³

کلیه اشتقاقات و مفروضات ماده "تفسیر" معنای اصلی آن را نشان می دهد، که معنی آن از: بیان، افشا، روشن شدن و پدیدار مستثنی نیست.

بنابر آن فسر و سفر با هم دیگر در لفظ همگرایی دارند، چرا که ایشان از اشتقاق بزرگ سرچشمه گرفته اند. روی همین منظور در معنی نیز نزدیک هستند، بلی مترادف گفته نمی توانیم بنابر اینکه معنی فسر بیان و تفصیل را گفته شده و سفر عبارت از برهنه و پدیدار شدن را گفته میشود.

2- تفسیر در اصطلاح:

محققان و مفسرین در مورد تعریف "تفسیر قرآن" که امام السیوطی در "اتقان" به آن اشاره کرده است، سخنان متعددی دارند که ما از آن جمله موارد زیر را انتخاب می کنیم:

1 - بعضی از آنها گفتند: تفسیر در اصطلاح: علم که از نزول آیات، امور و حکایات، دلایلی که در مورد آن آیات نازل شده، مکی و مدنی بودن آنها، محکم و متشابه بودن آنها، ناسخ و منسوخ آنها، خصوص و عموم آنها، مطلق و مقید آنها، مجمل و مفسر آنها، حلال و حرام آنها، وعد و وعید آنها، امر و نهی آنها، تاریخ و مثالهای آنها را مورد بحث قرار میدهد.

2 - ابو حیان گفت: تفسیر علمی است که از جستجوی چگونگی تلفظ کلمات قرآن، معنای آنها، احکام فردی و ترکیبی آن، همچنان معنی که در وضعیت نصب آن رایج شده و از تکمیل اینها بحث میکند تفسیر گفته میشود.

3 - زرکشی گفت: تفسیر: آنست که دانسته میشود به آن کتاب خدای که نازل شده بر پیام برگرامیش صلی الله علیه وسلم، و روشن کردن معانی استخراج احکام و خرد آن، بپایاری خواستن از علم لغت صرف نحو، علم بیان، اصول فقه، قراءات، به همراه

1 - معجم المقاییس اللغة از ابن فارس 504/4-

2 - مفردات الفاظ القرآن 636

3 - لسان العرب از ابن منظور 55/5

اینکه احتیاج به شناخت علم اسباب نزول، ناسخ و منسوخ میداشته باشد.⁴

ابو البقاء الکفوی در کلیات خود تمایل به تعبیر ابوحیان دارد، بنابراین وی در تعریف خود فرموده: این علمی است که در آن از چگونگی سخن گفتن در مورد قرآن کریم و معانی احکام فردی و ساختار ترکیب آن بحث میکند.⁵

دکتور محمدحسین الذهبی، در "التفسیر والمفسرون" این سه تعریف که ما از اتقان آنرا ذکر کردیم نقل نموده، سپس تعریف چهارم را که شیخ محمد ابو سلامه در کتاب خود با عنوان "مناهج الفرقان" بیان کرده است اضافه داشته، فرموده:

4- و بعضی تعریف کرده اند: علمی است که از چگونگی قرآن مجید بخاطر رهنمائی به اندازه توان انسان جستجو می کند.

شیخ ذهبی در مورد این تعاریف اظهار نظر داشته فرموده: "این چهار تعریف همه آنها با علم تفسیر موافق هستند، علمی که مراد الله متعال، به اندازه توان انسان است، این شامل همه چیز است که به درک، معنا و روشن ساختن آنچه منظور بوده بستگی دارد.⁶

آنچه از تعاریف قبلی تمایل را نشان میدهد بخش اول تعریفی است که توسط امام زرکشی ذکر گردیده.

و می گویم: تفسیر علمی است که بوسیله آن میشود به آن کتاب خدای که نازل شده بر پیام برگرامیش صلی الله علیه وسلم، و بیان معنا و استخراج احکام و خرد آن میباشد.

بهتر است تعریف مختصر و مفید از تفسیر، که توسط امام ابن عاشور در مقدمه تفسیر خود انتخاب کرده: ذکر نمائیم، وی فرموده:

5- تفسیر: نام علمی است که می خواهد معنای کلمات قرآن و آنچه را که از آنها استفادہ میشود به طور خلاصه یا به تفصیل توضیح دهد.⁷

سپس ابن عاشور گفته: موضوع تفسیر: کلمات قرآن، از نظر جستجوی معانی و آنچه از آن گرفته می شود میباشد.⁸

3- تأویل در لغت: تأویل مصدریست که برون تقعیل و فعل ماضی آن از رباعی بوده که عبارت از اول است، گوئی- اول یول تأویلاً. و ریشه ثلاثی مجرد آن اول میباشد، امام ابن فارس درباره اول فرموده: از برای اول دواصل وجود دارد یکی شروع کار دوم پایان کار. کاربرد که در شروع استفاده شده مانند اینکه بگویی الاول: عبارت از آغازگر چیزی است که مونت آن اولی و جمعش اوایل میآید.

کاربرد که در پایان کار بکار رفته، مانند اینکه گفته شده، الایل: این نام به بز کوئی مسمی شده به دلیل اینکه به کوه منتهی می شود و با آن پایان می یابد، ایله نیز خوانده شده تا آن جاه پناه گیرد.

و گفته اند: معنای بازگشت را میدهد به همین دلیل گفتند: باز گردانید حکم را به خانواده خود، باز گشتاند و ردش کرد به فامیلش.

و ایاله عبارت است از سیاست. زیرا مجالس و امور را برمی گرداند و برگشت میدهد به سرپرست خود. و گفتند: آل الحاکم رعیت: زمانیکه حاکم سیاست خود را بهبود ببخشد. برگشت داد مرد اهل بیت خود را.⁹

ابن فارس معتقد است که "اول" یک اصل شروع و پایان است. در حقیقت، ما می بینیم که این دو سرچشمه بسیار نزدیک به هم دارند، گویی اینها یکی و یکسان هستند. از آنجا که هر دوی آنها در کنار ماده قرار دارند، اولی شروع آن است و آخری پایان آن بوده و بین نقاط شروع و پایان پیوندی وجود دارد و به هم وصل می شوند! اول با آخر پایان می یابد، و اخیر به اول مرتبط است. مورد دوم مربوط به اولی است، آغاز و انجام به این قسم بین هم دیدار کرده و به مرجع و پایان دلالت دارند.

امام راغب الاسفهانى در مفردات خود در مورد "اول" میفرماید:

الاول: بازگشت به اصل. از جمله «المؤل» «زیستگاه»: مکانی است که به آن بازگشت می کنند.

تأویل این است: رد و بازگشت یک چیز به مقصد و مرام آخری آن، دانستن و یا انجام دادن.

■ مصداق بازگشت یک چیز به مقصد آخریش از حیثیت دانستن. مانند قول الله متعال: {وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ} [آل عمرا: 7]

ترجمه: در حالی که تأویل (درست) آنها را جز خدا و کسانی نمی دانند که راسخان (و ثابت قدمان) در دانش هستند.

■ مصداق بازگشت یک چیز به مقصد آخریش از حیثیت انجام فعل. مانند قول الله متعال:

{هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ} [أعراف: 53]

ترجمه: آیا انتظار جز این را دارند که سرانجام تهدیدهای کتاب خدا را مشاهده کنند، روزی چنین سرانجامی فرا می رسد (و عقاب و عذاب خدا گریبانگیرشان می گردد. در آن روز) آنان که در دنیا آن را فراموش کرده اند و پشت گوش انداخته اند، می گویند: بیگمان پیغمبران پروردگاران آمدند و حق را با خود آوردند

در مورد سخنان ابن منظور در لسان العرب درباره التأویل و الاول، ما از میان آنها این عبارات مختصر را انتخاب می کنیم:

الاول: برگشت و: آل، یؤل مآلاً: زمانیکه برگشت کند و رجوع نماید. اول الکلام و تأوله: به معنی آن که از کلام خود گشت و اندازه اش نمود و بیانش کرد.

چنان که گفته شده آلت الشی: زمانیکه فراهم و درستش بسازی، گویا که تأویل عبارت از فراهم کردن معانی الفاظ که در آن دشواری ایجاد شده باشد به سخنی که آن دشواری رفع شود.

التأویل: محل برگشت، و انتقال یافتن که از «آل کذا» (برگشت به آنچه) گرفته شده: رجوع کرد به طرف آن.¹⁰

(مناسبت) بین الأول والوال:

همانطور که قبلاً در رابطه اشتقاق و پیوند معنوی بین فسر و سفر اشاره کرده ایم، در اینجا متوجه اشتقاق و پیوند معنوی بین اول و الوال می شویم.

4- الاتقان فی علوم القرآن از سیوطی تحقیق دکتور مصطفی البغا: 1191/2

5- الکلیات 260

6- التفسیر والمفسرون للذهبی: 15/1

7- التحریر والتنویر از ابن عاشور 11/1

8- المرجع السابق 12/4

9- دیده شود به مقایس اللغة 158/1-162--

10- لسان العرب از ابن منظور 32/11-40

الأول: بازگشت و پایان. الوأل: محل بازگشت، محل امن از آفت، و پناهنده.

ابن فارس در مورد الوأل گفته: این کلمه ای است که به جمع آوری و پناهندهگی اشاره دارد.¹¹

فراء گفته: المؤئل: زیستگاه: گفته شده است: آل زید من العدو- بازگشت زید از دشمن.

گفته شده بمعنی پناهگاه است. همچنان گفته شده آل فلان الی فلان: زمانکه اگر به او روی آورد¹²

و بین دو اصل: اول و وأل: نزدیکی در معنا است. الأول: بازگشت به اصل و پایان رسیدن به آن. الوأل: بمعنی بازگشت به پناهگاه، نجات حاصل کردن به آن، و پناه بردن به آن.

4- تأویل در اصطلاح:

یکی از دقیق و محکم ترین تعبیر در اصطلاحات همان تعریفی است که امام راغب الاصفهانی در مفردات خود بیان کرده است. وی گفت است: تأویل عبارت است از "بازگشت چیزی به آرزوی نهایی و مقصد آن که دانسته و یا انجام یافته صورت گیرد"¹³

تأویل کلام عبارت از بازگشت سخن به نهایت مقصود آن، ورد کردن آن به اصل، و برگشت آن به واقعیت که اصل مراد بر آن میباشد.

یا به عبارت دیگر: تأویل کلام این است که معانی آن را بازیابی کرده و آنها را به منبعی که بر آنها تحمیل می شود باز بگردانی، و معنی به این نتیجه ختم شود.

اصل اساسی این است که کلمات یک واقعیت درست دارند، و سخن به آن تمایلی دارد، نهایتاً سخن به آن ختم میشود، و مصدریست که سرنوشت به آن نسبت داده می شود. در غیر این صورت این دروغ است که هیچ ارتباطی به حقیقت ندارد.

این حقیقت است که باید کلام به آن ربط و نسبت داده شود، و این اصل و مرام و مقصد بوده که نهایت امر به آن تعلق میگیرد.

چنان که امام راغب در مورد فرموده است: صحبت کردن یا درخواست است یا حکایت.

اگر درخواست باشد، ممکن است شامل انجام کاری باشد، و ممکن است ترک آن باشد.

تأویل درخواست: عبارت از رسیدن به آنچه که در واقع هدف قرار گیرد یا ترک آن است، و به این طریق سخن تکرار میشود و آن را به هدف مورد نظر خود باز می گرداند، بنابراین آنچه که خواسته می شود برآورده میگردد.

و اگر گفتار حکایت باشد، پس حقیقت و نهایت هدف آن این است که مطابق آنچه در گفتار گفته شده باشد انجام بیاید.

تأویل این خبر چنین است: این اتفاق در دنیای واقعی رخ داده است، و اعتبار این واقعه براساس محتوای این گفتار میباشد.

وقتی درخواست را تأویلی می کنیم، آن را به صورت عملی پیاده می کنیم و با انجام این کار، به آخر مقصود باز می گردیم.

آنچه را که ما می خواهیم به واقعیت واقعی آن می رسیم، بنابراین می توانیم آنرا انجام دهیم یا ترک کنیم.

وقتی خبر را تأویل می کنیم، واقعاً منتظریم که اتفاقی بیفتد و از این طریق آن را به نهایت هدف باز می گردانیم، این است وقوع واقعی آن در عالم واقع.

اینست معنی سخن امام راغب: تأویل عبارت است از "بازگشت چیزی به آرزوی نهایی مقصود آن که دانسته و یا انجام یافته شده صورت گیرد"

5- تفسیر در روش قرآنی: در قرآن فقط یک کلمه از مشتقات و مفروضات ماده "فسر" وجود دارد که همانا "تفسیر" است. و "تفسیر" مصدر بوده که فعل ماضی آن از باب رباعی «فس» میآید. چنان که گفتیم "تفسیر" فقط یک بار در قرآن، در سوره فرقان ذکر شده است.

الله متعال میفرماید: {وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا} [الفرقان: 30-33]

ترجمه: و پیغمبر عرض می کند، پروردگارا! قوم من این قرآن را رها و از آن دوری کرده اند. این گونه برای هر پیغمبری گروهی از بزهکاران را دشمن ساخته ایم و همین بس که خدای تو راهنما و یاور باشد. کافران می گویند: چرا قرآن بر او یکجا نازل نمی شود؟

همین گونه تا دل تو را پابرجا و استوار بداریم، و آن را قسمت به قسمت و آرام آرام فرو می خوانیم، هیچ مثالی را به میان نمی کشند، مگر این که ما پاسخ راست و درست را، و بهترین وجه و زیباترین تبیین و تفسیر را به تو می نمایانیم.

اگرچه شاهد در آیه سوم است، ما برای آگاهی از روش قرآن کریم در اینجا که کلمه "تفسیر" ذکر شده است، به سه آیه دیگر نیز اشاره کردیم. آیات دشمنی کفار را در برابر حق، نبرد آنها را با قرآن، و انکار آنها را با رسول خدا صلی الله علیه وسلم و سوء ظن آنها را علیه اینها نشان میدهد، که به پروردگار خود، از کفر قوم خود و ترک آنها قرآن کریم را شکایت کرده، بنابراین خداوند متعال پیامبرش را تصلی میدهد، و به او می گوید که این روش پیابرهاست، همانگونه که تورا دشمن است دیگر انبیاء را نیز دشمن بود.

صیغه تفضیل در ین جا "و احسن تفسیر" برای اغراق در ستایش آیات قرآن، و روشن کردن شایستگی های قرآن کریم در ذات خود، و بهبودی قرآن کریم در تفسیر و توضیح و ملیح بودنش میباشد نه مقایسوی.

کلمه "تفسیر در" احسن تفسیرا " نیک توضیح داده شده، به معنی: روشن شدن، آشکار شدن، تفصیل، پرده برداشتن ارائه گردیده.

و یک واقعیت قطعی قرآنی را تعیین می کند: شواهد، براهین، دلائل و حقیقت ها قرآنی بهترین توضیحات، بیان، ارائه و تفصیل است و آنها ضامن بی ثباتی و منهدم کردن سوء ظن و نظریات باطل کفار هستند. و مسلمانان باید آنها را بفهمند و درک کنند، و در فهم قرآن در مقابله با دشمنان خود استفاده کنند و قدرت بیابند.

6- تأویل در روش قرآنی:

چندین گرفته شدگی ها از کلمه اول در قرآن وجود دارد - که قبلاً تذکر دادیم، در مشتقات آن آمده است: تأویل. آل. اول. اولی. اولون، اولات، اولوا.

تمام این مشتقات مبنای معنای اول را که ذکر کردیم فراهم می کند که آغاز و پایان چیزی است، و بازگشت آن به مبدأ و بازگرداندن آن به نهایت خود میباشد.

کلمه "تأویل" هفده بار در قرآن کریم ذکر شده است و چهار مورد دارد:

11 - مقایس اللغة 79/6-

12 - عمدة الحفاظ فی تفسیر اشرف الألفاظ از سمین الحلی 318/4

13 - المفردات 99

1- تأویلاً: مصدری که متصور به تمیز خود بوده و دو مرتبه ذکر شده.
 2- تأویله: اضافت شده به ضمیرها که در خود آن است هشت مرتبه ذکر شده است.
 3- تأویل الاحادیث، تأویل الاحلام، تأویل الرویا : همه مضاف به اسم ظاهر بعد خودش بوده، و پنج مرتبه ذکر شده است.
 4- تأویل: عاری از اضافت، برابر که مرفوع باشد یا مجرور، دو مرتبه ذکر شده است.
 سورهای قرآن کریم که تأویل در آن ذکر شده: هفت سوره هستند:

- سوره یوسف: هشت مرتبه ذکر شده است
- سوره آل عمران: دو مرتبه در آن ذکر شده است
- سوره الأعراف: دو مرتبه در آن ذکر شده است
- سوره الکهف: دو مرتبه ذکر شده است
- سوره النساء: یک مرتبه ذکر شده است
- سوره یونس: یک مرتبه ذکر شده است
- سوره الإسراء: یک مرتبه ذکر شده است.

7- تفاوت بین تفسیر و تأویل:
 ما آنچه را که قبلاً در مورد معنای تفسیر و تأویل ارائه داده بودیم يك مقدمه بود برای تفاوت تفسیر و تأویل واقسام که حال آنرا بیان میداریم.

تأویل دو معنی را در بر دارد: تأویل عملی تأویل علمی تأویل عملی: تأویل عملی در قرآن و بیشتر احادیث پیامبر آمده، که عبارت از بازگرداندن موارد و متون به هدف و مطلوب که در واقع دستیابی به آن در دنیای واقعی و تعیین عواقب و پایان امر، و توضیح آنچه که منجر به بیان میشود میباشد.

تأویل علمی: درک درست متن از پیچیدگی و ابهام یا سو ظن یا سردرگمی که با بازگرداندن آنها به متنهای روشن و خاص دیگری که واضح و تعیین شده، و بار کردن آنها به نصوص واضح، و دانستن و دور ساختن این غموض، اشکال و پیچیدگی در روشنی متون متعین و واضح، و اجرای ملاحظه عمیق در آن متون، و استخراج آنچه در آنها از نکات و اشارات وجود دارد تأویل عملی گفته میشود.

سخن ما در اینجا درباره تأویل عملی نیست، بلکه در مورد تأویل علمی است، زیرا وقتی که در درک قرآن از این دو اصطلاح استفاده می شود تأویل علمی در برابر تفسیر قرار می گیرد.

لذا تفسیر آیات عبارت است از درک، روشن کردن معانی و نشان دادن مفاهیم قرآن میباشد.

تأویل آیات قرآن عبارت است از رفع هرگونه ابهام و مشکل که در نصوص وجود داشته باشد و درک آنها به صورت درست و تأویل آنها به تأویل کردن صحیح به این طور که نکات و اشارات آنها را درست استنباط کرده باشد و حقیقت و علامات آنرا منظم بیرون سازد.

مشهورترین گفته ها در مورد تفاوت تفسیر و تأویل: دانشمندان در توضیح تفاوت بین تفسیر و تأویل اختلاف دارند و گفته های آنها در این مورد متنوع و متضاد است.

انشالله مهمترین این گفته ها را ذکر خواهیم کرد، سپس آنها را با آنچه که درست فکر می کنیم دنبال خواهیم نمود.

دکتر محمد حسین الذهبی رحمه الله در مقدمه "التفسیر و المفسران" هفت قول را در فرق میان تفسیر و تأویل بیان داشته است¹⁴

1- تفسیر و تأویل: دو اصطلاح مترادف با یک معنا هستند، بنابراین هیچ تفاوتی بین آنها وجود ندارد و معنای آنها تبیین قرآن، توضیح و فهم آیات آن میباشد.

این دیدگاه ابو عبیده معمر بن المثنی و مشهور نزد متقدمین بوده و برتری داده نشده بنابراین اینکه تفسیر و تأویل دو اصطلاح قرآنی است که در میان آنها ضرورت فرق قایل باید شد،

2- گفته ابومنصور ماتریدی-- تفسیر: تبیین معانی قرآن از ناحیه عزم قاطع را گفته میشود، زیرا نزد مفسر شواهدی وجود دارد که به عزم و یقین تکیه می کند.

تأویل: تبیین معانی قرآن به همراه احتمال و گمان برتر و قوی که نزد تأویل کننده دلیل وجود نداشته باشد که به آن به عزم و یقین تکیه کند.

3- سخن ابو طالب ثعلبی-- تفسیر: توضیح معانی و عبارات ظاهری قرآن که به اساس لغت نهاده شده باشد، مانند: تفسیر الصراط که راه را معنی داده و الصیب باران را.

تأویل: توضیح کلمات درونی قرآن و گفتن حقیقت که هدف باشد. مثالی از این تفاوت قول الله متعال: {إِنَّ رَبَّكَ لِيَأْمُرُ صَادِقٌ} [الفجر: 14]

ترجمه: مسلماً پروردگار تو در کمین است. این آیه تفسیر و تأویل دارد.

تفسیر آن: مرصاد از رصد گرفته شده کمین را معنی میدهد یعنی الله باخبر است از آنچه ظالمین عمل میکنند، میبیند و میداند و مراقب ایشان است همه اعمال آنها را ثبت میکند تا همراه ایشان محاسبه کند.

و تأویل آن: آیه نسبت به سهل انگاری در امر خدا، بی خبری از آماده گی گرفتن به سفر روز قیامت و مصرف نکردن توان برای این روز را هشدار می دهد.

4- گفته بغوی و کواشی-- تفسیر: درک صورت ظاهری آن بدون توجه به ناحیه دیگر.

تأویل: تبدیل آیات از ظاهری آنها به معنای دیگر، که آیات می توانند آن را تحمل کنند، و با کتاب و سنت منافاتی نداشته باشد که این از طریق استنباط حاصل میگردد.

5- دیدگاه ابونصر القشیری-- تفسیر: محدود به پیروی گوش دادن و روایت بوده همراه بر اینکه بسنده باشد به آنچه که در مورد معانی آیات نقل شده باشد.

و تأویل: استخراج معانی و مفهوم و اشارات آیات، با استفاده از دانش، تدبیر، ملاحظه و تحقق اندیشه است، همان نظریه ای است که دکتر الذهبی توصیه کرده است.¹⁵

6- نظریه امام الألوسی-- تفسیر: توضیح معانی نزدیک که از آیات، کلمات، جملات و ترکیبات آنها گرفته شده با استفاده از لغت و راه که همان گونه نهاده شده است.

تأویل: بیان معانی دور است که از آیات مشاهده شده و از طریق کلمات و جمله ها ساختار و علامات و نکته های باریک و رموز نشان داده میشود.

در مورد اشاره ذهبی به نظر امام راغب اصفهانی درباره تفسیر و تأویل بیان داشته به زودی انشا الله آن را از مقدمه تفسیر وی "جامع التفسیر" خواهیم گرفت. آنچه امام سیوطی در " اتقان

14 - دیده شود التفسیر والمفسرون از دکتر ذهبی: 1/ 19 - 22.

15 دیده شود التفسیر والمفسرون: 1/ 22.

فی علوم قرآن" از تفاوت تفسیر و تأویل - علاوه بر آنچه قبلاً ذکر کردیم - ارائه کرده اینست:

7- تفسیر: بیشترین کاربرد آن در کلمات و واژه مجرداستعمال میشود .

و تأویل: بیشتر در معانی و جملات به کار رفته است.

8- تفسیر: توضیح کلمات قرآن که فقط یک معنی را می تواند داشته باشند.

و تأویل: بنابر دلیل که در آن وجود داشته گردانیدن کلمات قرآن به یک معنی واحد در حالیکه که دارای چندین معنا باشد.¹⁶ در بین این گفته ها نزدیکی است ، همانطور که انشاالله به زودی بیان خواهیم کرد.

8- تفاوت میان تفسیر و تأویل از دیدگاه امام راغب:

امام راغب در مقدمه تفسیر خود «جامع التفسیر» میفرماید: تفسیر کلی تر از تأویل است.

تفسیر بیشتر در عبارات استفاده می شود. و تأویل در معانی، مانند تأویل خواب.

تأویل: بیشتر آن در کتب الهی به کار رفته است. تفسیر در کتب الهی و دیگر کتب استفاده میشود.

تفسیر: بیشتر آن در مجردات و الفاظ بکار رفته و تأویل: بیشتر آن در جملات استعمال گردیده.

توضیحات تفسیر:

الف- یا در مورد الفاظ نا آشنا مانند: "البحیره"، "السائبة" و "الوصيلة" به کار رفته است.

ب- یا در توضیح مختصر، همانطور که خداوند متعال فرموده: {وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ} [البقرة: 43] ترجمه: و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید.

ج- یا در مورد کلامی که مندرج به داستان باشد که بدون دانستن آن کلام دانسته نشود مانند قول الله متعال: {إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ} [التوبة: 37]

ترجمه: به تأخیر انداختن افزایش در کفر است. کلمه نسی لازم است که تفسیر شود.

توضیحات تأویل:

أ: گاهی یک مرتبه عام ذکر میشود وگاهی خاص مانند «الکفر» و «الایمان» کفر گاهی در کمال ناباوری به کار می رود و گاهی هم به ویژه در انکار الله متعال به کار رفته .. همچنان ایمان گاهی در کمال باورداشتن ذکر شده وگاهی هم در تأیید به دین حق خاصه ذکر میشود.

ب: یا در یک کلمه مشترک بین معانی مختلف به کار می رود. مانند کلمه "وَجَدَ" گاهی در تیزی وگاهی در نوب استعمال شده است، همچنان گاهی در حیه جان شدن وگاهی هم در پیدایش بکار رفته است.

9- تأویل دو نوع است: زشت و خوب:

اول میپردازیم به تأویل زشت:

تأویل زشت آنست: زمانیکه دلیل به تأویل آورده شود معیوب قرار گیرد اگر بر بعضی پوشیده گی ها آرایش داده شود زشت وناپسند معلوم گردد، و به چهار نوع است:

اول: اینکه این یک اصطلاح عام باشد و در برخی از موارد ماتحت خود خاص گردد ،مانند قول الله متعال: {وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ} [التحریم: 4]

ترجمه: و اگر بر ضد او همدست شوید خدا یاور او است ، و علاوه از خدا ، جبرئیل ، و مؤمنان خوب و شایسته. برخی مراد از صالح المومنین را به علی بن ابی طالب رضی الله عنه نسبت داده اند وپس. واین خاصیت کسانی هست که خود را فقهی میدانند ولی در شناخت خاص و عام و اصول قوی نیستند.

دوم: اینکه در بین دو چیز جمع کنند: مانند گفتار کسانیکه ادعا می کنند همه حیوانات مکلف هستند، با استناد به این قول الله متعال: {وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ} [فاطر: 24] ترجمه: هیچ ملتی هم نبوده است که بیم دهنده ای به میانشان فرستاده نشده باشد.

و فرموده الله تعالی: {وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّةٌ مِمَّنْ أَنْتُمْ} [الانعام: 38]

ترجمه: و هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند وجود ندارد مگر این که گروههایی همچون شمايند.

بنابراین برخی از آنها چنین استدلال می کنند که: { إِلَّا أُمَّةٌ مِمَّنْ أَنْتُمْ } « مگر این که گروههایی همچون شمايند» بر اینکه حیوانات مانند انسانها مکلف هستند.

واین در شأن کسانی وجود دارد که خود را اهل کلام دانسته و در درست سازی نظم و معنی قوی نیستند.

سوم: آنچه برای اطلاعات نادرست یا جعلی استفاده شده است. همانطور که حق تعالی فرمود: {يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ} [القلم: 42]

ترجمه: مراد روز قیامت است پاچه ها بالا زده می شود. برخی گفته اند: مراد از ساق مرد زخمی کننده است و به یک حدیث موضوعی نیز استدلال دارند.

و این شأن کسانی هست که خود را اهل حدیث دانسته و اخلاق شرایط پذیرش حدیث را نمیدانند.

چهارم: آنست که از استعارات و ریشه یابی های دور از عقل کمک گیرند:

مانند اینکه بعضی ها گفته اند مراد از «البقر» انسانی است که از علم های پوشیده باخبر است. و«هدد» انسانی بوده که خوب در کندن و نقتیش مهارت داشت .

این تعلق بر نویسنده ها دارد که اخلاق و شرایط دانستن استعارات و ریشه یابی هارا بلد نیستند.

تأویل خوب:

آنست که مجروحیتهای گذشته دران نباشد، بدون قطع اختلاف، ممکن است در میان اهل علم اختلاف از سه جهت پدیدار گردد:

اول: یا اشتراک در لفظ میباشد مانند قول الله متعال: لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

ترجمه:

چشمها او را در نمی یابند ، و او چشمها را در می یابد و او دقیق و آگاه است. آیا بینایی بخشی از بینایی چشم است ، یا بینایی قلب؟

دوم: بیک موردی که را جمع به سببتم و نظم قرآن کریم تعلق دارد: مانند قول الله متعال: {أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا} [النور: 3-4]

ترجمه: و چنین کسانی فاسق هستند . مگر کسانی که (قبل از حد) توبه کنند ، و پشیمانی خود را اظهار نمایند.

آیا استثناء از (مگر کسانیکه توبه کردند) ازین است یا اینکه مخصوص معطوف علیه که همان (اللک هم الفاسقون) هستند، یا اینکه از هر دو میباشد یعنی از معطوف و معطوف علیه که عبارت از (ولا تقبلو لهم شهادة ابداء، وألئك هم الفاسقون) (1)

16 دیده شود به «الاتقان» از سیوطی تحقیق الدكتور مصطفی البغا: 2 / 1189 - 1191

سوم: یا از جهت پوشیدگی معنی و کلماتی لفظ میباید مانند قول الله متعال: {وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ} [البقرة: 227]

ترجمه: و اگر تصمیم بر جدائی گرفتند، پس خداوند شنوا و دانا است.

10- نظر امام ابو البقاء الكفوی:

در مورد تفسیر و تأویل میفرماید: تفسیر و تأویل: گفته شده که آنها یکی هستند، و آن ظاهر ساختن مقصود از دشواری است. همچنان گفته شده که تأویل شرح یکی از احتمالات لفظ میباید. تفسیر: بیان هدف گوینده بوده.

گفته شده که: تأویل مربوط به دریافت یک شی هست.

تفسیر: مربوط به نقل میباید.

به گفته راغب اصفهانی: تفسیر عام تر از تأویل است. بیشترین استفاده از تفسیر در الفاظ و مجردات بوده و بیشترین استفاده از تأویل در معانی و جملات بکار رفته. بیشترین تأویل در کتب آسمانی و تفسیر در کتب آسمانی و جاهای دیگر استعمال شده.

ابومنصور ماتریدی گفته: تفسیر حکم است که مراد لفظ چنین میباید، و ما به همان حکم بودن به الله گواهی میدهم. اگر دلیل قطعی به آن ثابت شد بهتر والا آنرا تفسیر بالرأی گفته شده که آن منع قرار گرفته است، ولی تأویل برتری یکی از احتمالات را بدون جزم و گواهی دادن به الله متعال میباید.

در «عقاید النسفی» ذکر کرده: نصوص به ظاهرش بیان گردد، و روی گردانیدن از آن به خواست افراد ناخود آگاه از دین برگشتن است.

در معنی ظاهری و باطنی طریقه‌های وجود دارد: آنچه که مانند صواب است ابو عبید گفته: حکایاتی را که الله متعال در مورد امت های گذشته بیان داشته و عذاب شان کرده در ظاهر دلالت به هلاکت امت های گذشته است و در باطن پند و موعظه برای باز مانده گان و ترس از برای آنهاست تا اینکه آنچه را که پیشینیان مستحق شدند به سبب انجام ندادن اینها مستحق نشوند.

و در تفسیر ابوحیان آمده: کتاب الله به زبان عربی روشن آمده، هیچ اشاره، هیچ چپستانی و پوشیدگی، هیچ رمزی در آن وجود ندارد که از آن فلاسفه و هواپرستان بخود چیزی بسازند.

در مورد آنچه برخی محققان می گویند، متون مربوط به پدیده ظاهریش میشود، به همراه اینکه در آن اشارات باریکی وجود دارد که به نکته ها دلالت دارد و آنرا صاحبان فن و هواداران میتوانند بیابند، و در میان آن و اقوال ظاهری تطبیق دهند، و این به آخرین معیار ایمان و شناخت خاص تعلق دارد.

تفسیر قرآن: آنست که از صحابه نقل شده باشد، آنچه طبق قوانین عرب از آن استخراج میگردد تأویل است.

بنابراین اگر در قول الله متعال گفته شود: {يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَمُخْرِجُ الْمَمِيتِ مِنَ الْحَيِّ} [الأنعام: 95]

ترجمه: این خدا است که دانه و هسته را می شکافد زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد.

مراد بیرون شدن پرنده از تخم باشد پس تفسیر است اگر بگوییم که مراد برون شدن مومن از کافر، و بیرون شدن عالم از جاهل درین صورت این تأویل است.¹⁷

11- نظر استاد دکتر احمد حسن فرحات:

استاد بعد از دید مهمترین سخنان در تفاوت تفسیر و تأویل، فرموده: آنچه ما به آن تمایل داریم تفسیر به معنای اظهار، توضیح و شرح دادن است.

و تأویل به معنای بازگشت، پاسخ، مبادله و داوری را گفته میشود.

بر این اساس می بینیم که هیچ تضادی بین گفته ها وجود ندارد و هر یک از این گفته ها نوعی را بیان می کند که تحت تفسیر و تأویل قرار دارد.

کسی که به جزم میگوید که تفسیر لفظ را دربر دارد، به این نتیجه می رسد که مقصود از این اصطلاح فقط نگاه کردن به نوعی تفسیر است، و آن چیزی است که به شواهد قاطع به قرآن، سنت یا اجماع بستگی دارد، و این بدون شک یکی از مواردی است که با این تفسیر روبرو میباید.

و کسی که گفت: تفسیر بیان قصد گوینده است، یا مربوط به روایت است، یا توضیحی است در مورد موضوع لفظ. ملاحظه می شود که تفسیر در همه این گفته ها به معنای آشکار کردن و توضیح دادن را گفته میشود.

و هرکس که بگوید: تأویل غلبه یکی از احتمالات لفظ است، بدون قطع و شهادت بخدا، یا مربوط به دریافت فنی بوده، یا انعکاس آیه به معنایی است که آنرا تحمل می کنید، یا معنای بدون اندیشه به ذهن است.

بر این اساس اختلاف علما در این باره اختلاف تنوع است نه اختلاف تضاد.

همانطور که هر یک از آنها نوع تفسیر یا نوع از تأویل را بیان کرده اند.¹⁸

12- صحیح ترین تفاوت بین تفسیر و تأویل:

به این معتقدیم که درک قرآن، و درک معانی آن و استخراج مفاهیم آن، باید در دو مرحله تدریجی باشد:

مرحله اول: تفسیر قرآن.

مرحله دوم: تأویل قرآن.

هرکه به قرآن میبیند و به آیاتش تدبر میکند ابتدا باید با تفسیر قرآن آشنا شود و تفسیر آن را از منابع تفسیری بیاموزد.

بعده تأویل برخاسته و باریکی های قرآن را ببیند و، حقایق آن را ثبت و مفاهیم آن را استخراج کند.

ما معتقد هستیم که تفسیر قرآن باید مقدم از تأویل آن باشد، تا تأویل صحیح و درست شود. هر تأویلی از قرآن بدون تفسیر آن تأویل مبتنی بر دانش خود میباید که بر علم و دانش حقیقی استوار نبوده قبیح و ممنوع شمرده میشود.

بر اساس این تمایز موقت بین تفسیر و تأویل، می توانیم در بین اقوال بسیاری از علماء که قبلاً در مورد تفسیر و تأویل اشاره گردید جمع کنیم.

مرحله اول: تفسیر قرآن:

می بینیم زمانیکه مفسر کلمات قرآن کریم را تفسیر میکند ابتدا بر آنچه که نص و روایت ثابت است تکیه میدارد، آیات را به آیات تفسیر کرده در صورتیکه آیه شامل معنای آیات دیگر باشد. بعد به احادیث معتبر پیامبر صلی الله علیه وسلم، بعد به سخنان اصحاب و تابعین، بعد به علل نزول، بعد به تفسیر لغتی، بعد به ناسخ و منسوخ، بعد به تأویل قراءت شواهد اشعار تفسیر مینماید. بنابر علم که دارد تفسیر ظاهری آیت را بیان نموده و معنای نزدیک ناشی از آن را ارائه و توضیح میدهد، و با توجه به متونی که تفسیر آیه را بیان کرده بنابر قطع و یقین انجام میدهد.

درین مرحله مفسر بر معلومات علمی تفسیری درست و نظریات علماء مفسرین که سابق بودند و سعی و تلاش به هدف شکل دادن

17- الکلیات از ابی البقاء: 261 - 262.

18 - التعریف بالقرآن الکریم - علی الآلة الکاتبه - از استاذنا الدكتور أحمد فرحات: 111.

یک نتیجه علمی که وی را برای صعود به مرحله دوم واجد شرایط ساخته که ایشان را به طریقه نیک به تأویل قرآن کریم کمک کند تکیه میکند.

مرحله دوم تأویل القرآن:

اهل تفسیر زمانیکه به سمت تأویل قرآن حرکت می کنند آنها قرآن را با توجه به اطلاعات تفسیری که در مرحله اول به دست داشت، نگاه می کنند..

مفسر در این مرحله: جملات ، ساختارها و آیات را کاملاً بررسی می کند بر همان استعمال کردن عقل و تفکر خود تکیه بر نظرات خود میداشته باشد، و چهره و نگاه دیدگاه را تبدیل میدهد و نگاهش به درون آیه نفوذ می کند، و به باریکیها، علائم و نشانه های آن روی می آورد ، واقعیت ها و دلالت های آن را استخراج می کند و معنای دور که آیت به آن صراحت ندارد و به ذهن هم خطور نمی کند متوجه می شود. جهات آیات را که در آن رموز و پوشیدگی دیده شود روشن و ثابت میسازد، رمز و پوشیدگی که آیت با آن می درخشد ثبت می کند. روی هدف و مراد آیت استاده شده، پوشیدگی و سر در گمی آن را دور ساخته، و ابهام یا مشکلی را که مطرح می کند برطرف می کند. کار مفسر در مرحله دوم یک کار ذهنی است ، به این بستگی ندارد که چه کسی قبل از او در مرحله اول مقدم بوده است ، و خروج او در این مرحله یک محصول شخصی است ، و تفسیرهای که ارائه می دهد ثمره تدبیر او در مورد قرآن و توجه به آن است ، و شخصیت او در این مرحله برجسته و روشن است ، تلاش خود مفسر در آن قابل قدر است ، و نظر او ثابت و قابل احترام میباشد.

همانطور که در مرحله اول تفسیر لغوی و اشتقاقی وی را به دیده قدرنگریستیم درین این مرحله نیز به دیده قدر مینگریم . یعنی ، مفسر مرحله دوم "تأویل" را به مرحله اول "تأویل" قضاوت میکند، تأویل را به تفسیر بر گردانیده و تأویل را در پرتو تفسیر میفهماند.

13-تعهد دستیابی به تفسیر و تأویل با هم:

هر مشاهده گر قرآنی که آن را در نظر می گیرد ، باید دو مرحله را در برخورد با قرآن و تلاش برای درک آن انجام دهد. اگر نظر خود را در مورد آیات استعمال کرد ، و سعی کرد معانی آیات را استخراج کند و حقایق آنها را بدون مطالعه ظریف در تفسیرهای معتبر و قابل اعتماد ابراز داشت ، در این صورت او در نظر، اندیشه و فکر خود اشتباه کرده است.

و این تأویل به اندیشه وبدون دلیل ومدرك به علم بوده که مذموم و باطل است در این حالت ، او برای درک درست قرآن مسیر درستی را طی نکرده. بلکه مرحله اول را نادیده گرفته ، و از آن در گذشته و به آن متوقف نشده و با خیز غلط به مرحله دوم جسته است، با استواری به عقل نابالغ خود تفسیرنموده ، و در تحقق نظر فرمول نشده خود یک فرمول علمی آشکار کرده..

به همین ترتیب ، مابه این نظر نیستیم که بیننده قرآن با توجه به معنایی که ما تصمیم گرفته ایم باید در مرحله اول متوقف شود ، و او در حلقه تفسیر قرآن باقی بماند - و اینکه او باید به تکرار آنچه در تفسیر آیات از اقوال ، احادیث معتبر و روایات که در اسباب نزول ، نسخ و غریب در تفاسیر دیگر نقل شده تکرار و انتقال به تفسیر خود دهد. ما نمی خواهیم مفسر صرفاً انتقال دهنده سخنان اولی باشد و عقاید آنها را بیان کند.

بلی برخی مفسران بودند ، آنها اینگونه بودند و تفسیرهای خود را اینگونه می نوشتند و از تکرار گفته های قبلی که گفته شده بود ، راضی بودند و آنها را انتقال میدادند.

ولی تلاش خود مفسر کجاست؟ شخصیت مستقل او چه شد؟ و انتخاب ها برگزیده هایش کجاست؟ تأویل ها و نتیجه گیری های او کجاست؟ کجا دارد آن را تأمل می کند و نگاهش به قرآن چیست؟

انتقال بیننده در قرآن از مرحله مفسر به مرحله تأویل لازم بوده و استخراج دلالت ها ، ظرافت ها و حقایق از قرآن لازم پنداشته شده و استوار ساختن تأویل به تفسیر لازمی میباشد.

ما می دانیم که برخی از علمای قرآن نمی توانند به مرحله دوم بروند ، بنابراین در مرحله اول "در حالت آرام" هستند. او صلاحیت مفسر بودن را ندارد و از عمق توجه و تحقق اندیشه چیزی را که به او کمک می کند و تأویل گر باشد ندارد.

فتوحات و برکت ها و استعدادها از جانب الله متعال است که به هرکسی بخواهد عطا می کند، بلکه احسانی هست که بر هرکسی بخواهد از علم برخوردارش میگرداند..

مفسران از نظر تفسیر ، از نظر دقت ، سرعت ، اصالت ، اثربخشی و تأثیرگذاری متفاوت هستند. گویی مفسران شکارچیانی هستند که می خواهند نکته های باریک را بگیرند ، و نشانه ها ، روشنی اندک، الهامات را به دست آورند!

یک ماهیگیر وجود دارد که در نزدیک ماهی را شکار می کند ، یک ماهیگیر است که موفق به گرفتن شکار سریع پنجا و دور می شود ، و کسانی هستند که صید های کوچک را شکار می کنند و کسانی هستند که ماهی با ارزش ، چاغ و فراوان را شکار می کنند..

تأویل کننده ها در مورد تأویل قرآن همین مورد صدق می کند و مهم این است که این تعبیر را به تفسیرهای قبلی برگردانیم ، به آنها مراجعه کرده و بر اساس آنها اصلاح کنیم.

این امر ما را به یادآوری یک واقعیت سوق می دهد:که تأویل و تفسیر دو مرحله متوالی هستند اگر برخی از مفسران در مرحله اول باقی بمانند پس هر تأویل کننده مفسر است و هر مفسر تأویل کننده نیست..

تأویل کننده باید ابتدا مفسر باشد تا تأویلش درست شود ، اما ممکن است مفسر نتواند به سطح بلند تأویلش برسد.

14-شواهد این دو مرحله:

گفتیم که درک قرآن دو مرحله هستند: اول تفسیر ، سپس تأویل بعد از آن تأویل قبل از توانایی تفسیر جایز نیست ، هر تعبیر کننده مفسر است و هر مفسر تأویل کننده نیست..

گواه به این دو مرحله اختلاف اصحاب در درک معانی قرآن است. برخی از آنها با ایستادن با معنای آشکار آیات راضی بودند و معنای اولیه خود را ارائه می دادند ، و برخی از آنها ژرف نگری خود را در آنها تعمیق می بخشیدند ، علائم و نشانه های آنها را درک می کردند و معنای دور ، ملایم و برازنده را ارائه میدادند که آغاز نشده بود.

در صف اول اینها عبدالله بن عباس رضی الله عنه قرار دارد ، که پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش دعا کرد و گفت: "ای بار خدا او را دانا بگردان و علم تأویل را برایش بیاموزان."

ابن عباس رضی الله عنه از دانشمندان ترین اصحاب در تفسیر قرآن بشمار میرود و به همین دلیل لقب «مترجم قرآن» را دریافت کرده بود.

همه صحابه تأویل کننده قرآن نبودند ، اگر چند که مفسر قرآن کریم بودند. اما ابن عباس، مفسر و تأویل کننده قرآن بود ، رضی الله عنهما.

امام بخاری در کتاب تفسیر از سعید بن جبیر روایت میکند که عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فرمود: «عمر با من با شیوخ

بدر وارد میشد ، گویی که بعضی از آنها در نفس خود میدیدند و میگفتند: چرا این (کوچک) را با خود میآوری در حالیکه و ما نیز مانند او فرزندان داریم؟
عمر گفت: او از دانا ترین شما است..

روزی ابن عباس را طلب کرد و به همراهش به آنها داخل شد. فکر نمی کردم که او آن روز مرا دعوت کند مگر اینکه به آنها مرا نشان دهد ..

وی گفت: در مورد این قول خدا چه می گوئید که میفرماید : «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ - هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا می رسد»؟ بعضی از آنها گفتند: اگر پیروزی و گشوده گی برایمان بیاید فرمان میدهد که ستایشش کنیم و استغفار طلب کنیم.

بعضی از آنها ساکت بودند و چیزی نمی گفتند.
به من گفت: اینگونه است ای ابن عباس؟ گفتم: نه گفت: چه می گویی؟

گفتم: این میعاد عمر رسول خدا صلی الله علیه و سلم را بیان میکند ، من این را برای او می شناسم ، به او گفت: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ - هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا می رسد». و این نشانه میعاد توست : «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا-پروردگار خود را سپاس و ستایش کن ، و از او آمرزش بخواه . خدا بسیار توبه پذیر است»
عمر گفت: من نمیدانم مگر آنچه او می گوید ¹⁹

عمر بن خطاب رضی الله عنه در فهم سوره نصر ابن عباس و برخی از صحابه را مورد بررسی قرار داد، اصحاب مفسران بودند اما ابن عباس تأویل کننده آن بود..

15-تفسیر به معنای مبادله و انتقال:

ما قبلاً دو معنی برای تأویل ارائه دادیم:

اول: توضیح آنچه که تأویل میشود و به آن یک چیز پایان می یابد، تعیین خبر واقعی و شکل انجام یافته شده.

دوم: فهم، توضیح و بیان ، که معنی نزدیک را در برخی از تفسیر ارایه میکند ،

این دو معنی در قرآن ، و بیشتر احادیث رسول خدا صلی الله علیه و سلم و سخن صحابه رضی الله عنهم وجود داشته و درک می شود.

و ما اینجا در مورد معنای سوم تأویل صحبت می کنیم. این معنی است که ناگاه درآمده ، پیامبر صلی الله علیه و سلم و صحابه و تابعین از آن استفاده نکردند ، بلکه افراد از متأخرین این را استعمال نموده اند.

امام ابن تیمیه در رساله "الإکلیل فی المتشابه والتأویل" درباره این معنی تأویل فرموده: "این تأویلیست که در عرف متأخرین، متفقه ، صوفیها ، متکلمین و نواندیشان میباشد ، و آنها میگویند که تأویل تغییر لفظ بنابر شواهد از معنی قوی به معنی ضعیف را گفته میشود ، و این تأویل است که آنها در اصول فقه و موارد اختلاف روی آن میچرخند.

اگر یکی از آنها بگوید: این حدیث یا این متن تأویل شده است ، یا این گونه حمل میشود. آنگاه دیگری میگوید: این نوعی از تأویل است و تأویل نیاز به دلیل دارد. این تأویلیست که در باره صفات الله متعال باعث اختلاف قرار گرفته است، برخی در مورد باطل ساختن تأویل و بد گویی آن کتاب نوشته کرده اند. برخی میگویند که آیات صفات تأویل نمیشود. برخی دیگر برین باور هستند که

تأویل واجب هست سومی به این نظر هستند که تأویل مجاز است زمانیکه مصلحت بود جواز دارد زمانیکه نیاز نبود ترک کرده شود، یا اینکه علماء اگر تأویل میکنند درست است غیر از آنها نباید تأویل کنند²⁰.

این همان هست که در مورد معنای تأویل سه گانه قصد داشتند، همان است که در مورد آن اختلاف بوده ، اما در مورد دو معنی اولی سابقه از برای تأویل تنازع و اختلاف وجود ندارد.

"این تفسیری است که آنها در مورد صفات اختلاف نظر دارند، برخی از آنها ممکن است در لغو و تقبیح تأویل طبقه بندی شوند امام طحاوی در کتاب عقیده خود گفته : گروه متکلمین در تأویل های خود صفات خدا را رد می کنند، مانند معتزله که در روز رستاخیز دیدن پروردگار را رد میکنند، ایمان اهل اسلام درست نمیشود بر اینکه دیدار را بر و هم یا تأویلش به فهم بکنند زمانیکه تأویل دیدار و تأویل هر معنی به طرف الله متعال منسوب شود، درین وقت ترک تأویل و تسلیم شدن به الله متعال ضروری بوده و به این نظریه عقیده مسلمانها است.²¹

لازم نیست کسی که علم تأویل را انکار میکند معنی علم که متکلم قصد داشته باشد تا مخاطب را بفهماند آنرا نیز انکار کند، در قرآن هیچ آیه ای وجود ندارد مگر اینکه خداوند امر به تأمل در آن داده است ، و آیه ای را نازل نکرده است مگر اینکه دوست دارد دانسته شود که منظورش از آن چیست ، حتی اگر فقط خداوند تأویل آن را بداند.

ولی تأویل صحیح آنست که متون کتاب و سنت بر آن دلالت دارد ، و آنچه بر خلاف آن است ، تأویل فاسد است²²»

تأویل به معنای سوم - تغییر و برگرداندن دو نوع است: تأویل صحیح و قابل قبولی است که در آن اصطلاح معنای ظاهری که مقصود نباشد در نظر گرفته نشده و به معنای دیگری که مقصود و هدف باشد در نظر گرفته شود ، مشروط بر اینکه مناسبت معنای دیگر را دارا بوده و به شرطی که ضرورتی وجود داشته باشد که خواستار تغییر بمعنای دوم شود، و به همراه اینکه شواهد فراوانی از متون قرآن و سنت آنرا نشان دهد.

اما تأویل زشت و این تفسیری است که کلمه را از معنای اول منحرف کرده و آن را به معنای دوم تبدیل کند ، که کلمه احتمال آنرا نداشته باشد ، ضرورت هم نباشد و هیچ مدرکی هم دیده نشود.

تأویل فاسد مردود است، و آن تأویلیست که توسط برخی از متأخران به ویژه از صاحبان فرقه گرایان و اهل کلام صادر میشود.

غیر قابل قبول ترین تأویل و مردود ترین آنها در درک علمی صفات خدا میباشد، خصوصاً آن صفاتی که فهم آنها مشکل داشته که نسبت آن صفات را به الله مانند صفت به مخلوقش میپندارند.

باید متون قرآنی را که در مورد صفات خدا صحبت کرده است، همانطور که اصحاب و تابعین فهمیده اند بفهمیم، همانطور که به الله آنرا نسبت داده اند، همانگونه که خدا گفته است، چنان که مطابق با عظمت خداوند است، بدون تشبیه، تجسیم، تأویل، تعطیل و چگونگی یا سازگاری عقیده باید بیان شود.

از این ما می دانیم که توسعه استفاده از اصطلاح "تأویل" در تاریخ اسلامی چیست، و اینکه چگونه این دانشمندان از معنای

20 - دیده شود به الإکلیل: 24 - 25.

21 - شرح العقيدة الطحاوية: 1/ 249.

22 - مقتطفات از شرح العقيدة الطحاوية: 1/ 252 - 256.

19 - صحیح البخاری: 65 کتاب التفسیر باب قوله {فسبح بحمد ربك} حدیث شماره

که در قرآن و سنت است دور شدند، و به معنای که بعداً به آن تعبیر میشود برگشت کردند.

تأویل در قرآن و سنت به معنای عمل و عملکرد، پاسخ و بازگشت و تعیین نتیجه و سرنوشت ذکر شده است.

بعداً توسعه یافت و به معنای دانستن، تفسیر و بیان و افشاگری مورد استفاده قرار گرفت و این همان چیزی است که ابن جریر طبری و دیگران به کار بردند.

بعداً توسعه یافت که بسیاری از معنای آن در کاربرد قرآن و حدیث دور شدند، تا به معنای مبادله و انتقال، همان چیزی که هنگام راه اندازی به ذهن خطور می کند. تبدیلیش کردند.

ما متذکر می شویم که معنای اصلی و لغوی تأویل در سه معنای آن موجود است، و در این مطلب به سخنان استاد دکتر احمد حسن فرحات استناد می کنیم: از همه موارد گذشته، برای ما روشن می شود که کلمات: اگر به معنای ظاهری آن توجه کنیم، آخرین مقصد همان معنی ظاهریش باشد و بس که در بین صورت تأویل به معنی تفسیر مراد گرفته میشود.

و اگر مقصود از آن تحقق در دنیای واقعی باشد زمانیکه خبر باشد، یا تحقیق آن در صورت که درخواست باشد، پس این هدفی نهایی و مقصود بود که مراد از تأویل تفسیر نیست.

- اگر ما از معنای ظاهری به معنای غیر ظاهری برویم، هدف و مقصود از کلام معنای غیر ظاهری است، همانطور که قرینه نشان می دهد. این یک تأویل در اصطلاحات متأخرین بوده، نه تفسیر، با توجه به اصطلاحات سلف می توان آن را در تفسیر گنجانید²³ و ما استفاده تأویل را بمعنی اول اختیار میکنیم، چرا که به الله متعال منحصر میباشد، همان طور که به معنی دوم نیز ترجیح یافته، چنان که بر دانستن نکته ها و پوشیدگی ها بنا یافته است.

و ما کاربرد آن را به معنای سوم، که مبادله و انتقال است نمی بینیم، زیرا قابل قبول و صحیح آن در تفسیر به معنای دوم گنجانده شده است.

ولله اعلم

14- خاتمه

این سیر ما در مورد " تفاوت تفسیر و تأویل در قرآن" پایان فت ، و بنابراین گردش خود را متوقف میسازیم، سفر با "تأویل و تفسیر" جالب و لذت بخش بود، همانطور که الحمدلله فایده مند و مفید نیز بود.

ما با معنی تأویل در لغت و اصلاح زندگی کردیم و به کتاب های اساسی کتابهای لغوی می گشتیم و معنای تفسیر را در آنها جستجو می کردیم. سپس از روش قرآنی در مورد تفسیر و تأویل خود را لذت بخشیدیم

سرانجام، ما در مورد "تفاوت بین تفسیر و تأویل" صحبت کردیم و مهمترین اختلافاتی را که دانشمندان بیان کرده اند، ثبت نمودیم. سپس مکث کردیم و آنچه که در میان آنها تفاوت به نظر میرسد ارائه دادیم و دیدگاه خود را توضیح دادیم که کسی که به قرآن نگاه می کند و دانش آموز است دو مرحله متوالی را پشت سر بگذارد:

مرحله اول: تفسیر قرآن، با بررسی آنچه در تفسیر آیه آیات قرآن کریم، احادیث معتبر، سخنان صحابه، تابعین و علمای سلف و روایات درباره اسباب نزول، نسخ، قراءه، موارد غریب و غیره ذکر شده است.

مرحله دوم: تأویل قرآن، با توجه به نکات و اشارات و استخراج حقایق و نشانه ها صورت میگیرد.

و این گونه آنچه خداوند مقرر کرده از برای ما در مورد " تفاوت تفسیر و تأویل در قرآن" سخن خود را پایان میبخشیم. الحمدلله الله متعال قبول بفرماید، و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه اجمعین. آمین.

15- نتیجه

از همه موارد گذشته، برای ما روشن می شود که: اگر به معنای ظاهری کلمات توجه کنیم و آخرین مقصد همان معنی ظاهریش باشد و بس در بین صورت تأویل را به معنی تفسیر مراد گرفته میشود.

و اگر مقصود کلام تحقق در دنیای واقعی باشد، خبر باشد یا درخواست، پس هدف نهایی نیز همان (دنیای واقعی) مقصود قرار گیرد، مراد از تأویل تفسیر نیست.

اگر ما از معنای ظاهری به معنای غیر ظاهری برویم، هدف و مقصود از کلام معنای غیر ظاهری باشد، همانطور که قرینه نشان می دهد. این یک تأویل در اصطلاحات متأخرین بوده، نه تفسیر، با توجه به اصطلاحات سلف می توان آن را تفسیر نام نهاد²⁴.

و ما استفاده از تأویل را بمعنی اول اختیار میکنیم، چرا که دنیای واقعی به الله متعال منحصر میباشد، چنانکه به معنی دوم ترجیح نیز یافته، چراکه بر دانستن نکته ها و پوشیدگی ها بنا یافته است.

ما کاربرد آن را به معنای سوم، که مبادله و انتقال است نمی بینیم، زیرا قابل قبول و صحیح آن در تفسیر به معنای دوم گنجانده شده است. والله اعلم
العبد الفقیر سیدنعیم عفی عنه

مصادر و منابع

1. القرآن الکریم
2. ابن ابي العز الحنفی شرح العقيدة الطحاوية، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت الطبعة الرابعة، 1391 عدد الأجزاء: 1
3. أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا، معجم مقاييس اللغة، المحقق: عبد السلام محمد هارون، الطبعة: 1399 هـ - 1979م. الناشر: دار الفكر، عدد الأجزاء: 6
4. أبو العباس، شهاب الدين، أحمد بن يوسف بن عبد الدائم المعروف بالسمين الحلبي (المتوفى: 756 هـ) عمدة الحفاظ في تفسير أشرف الألفاظ، محمد باسل عيون السود، الطبعة: - 1996 م، الناشر: دار الكتب العلمية، عدد الأجزاء: 4
5. الاتقان في علوم القرآن للسيوطي تحقيق دكتور مصطفى البغا: 1191/2
6. أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام محمد ابن تيمية الدمشقي (المتوفى: 728 هـ) الإكليل في المتشابه والتأويل دار الإيمان للطبع والنشر والتوزيع، الإسكندرية، مصر، عدد الأجزاء: 1
7. أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379
8. أيوب بن موسى الحسيني القريني الكفوي، أبو البقاء الحنفی (المتوفى: 1094 هـ) الكليات معجم في المصطلحات والفروق

23 - التعريف بالقرآن الکریم از استاذم الدكتور أحمد فرحات: 108.

24 - التعريف بالقرآن الکریم از استاذم الدكتور أحمد فرحات: 108.

- اللغوية، المحقق: عدنان درويش - محمد المصري الناشر:
مؤسسة الرسالة - بيروت، عدد الأجزاء: 1
9. التعريف بالقرآن للدكتور أحمد حسن فرحات، بحث على
الألة الكتاب غير منشور.
10. الحسين بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهاني
أبو القاسم، مقدمة جامع التفسير: تحقيق، الدكتور أحمد
فرحات، طبعة كويت.
11. الحسين بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهاني
أبو القاسم، (مفردات ألفاظ القرآن، نسخة محققة)، دار النشر
/ دار القلم - دمشق، عدد الأجزاء: 2
12. الدكتور محمد السيد حسين الذهبي (المتوفى: 1398هـ)
التفسير والمفسرون، الناشر: مكتبة وهبة، القاهرة، عدد
الأجزاء: 3
13. محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور (المتوفى
: 1393هـ) التحرير والتنوير، سنة النشر: 1984 هـ، الناشر
: الدار التونسية للنشر، تونس، عدد الأجزاء : 30
14. محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، صحيح
البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر:
دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، 1422هـ، عدد الأجزاء: 9
15. محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور
المتوفى 11هـ، (لسان العرب) الناشر: دار صادر، بيروت،
عدد الأجزاء: 15
16. محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر
الطبري (المتوفى: 310هـ) جامع البيان في تأويل القرآن
لمحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة:
الأولى، 1420 هـ - 2000 م، عدد الأجزاء: 24